



مراومه، برنامه و اساسنامه سازمان مردمی کرمانج خراسان

خلاصه ای در باره سازمان مردمی کرمانج خراسان
(کردهای منطقه شمال خراسان)

سازمان مردمی کرمانج خراسان، ارگانی است دمکراتیک که برای سهیم شدن پاره ملت کورد منطقه شمال خراسان در حاکمیت ملی و برپایی حکومتی فدرال و دمکرات در ایران فعالیت می‌کند. سیاست سازمان بر اساس اصول فدرال دمکراتیک استوار می‌باشد که بر مبنای آن ایالت‌های فدرال کشور ایران دارای حقوق برابر در تمام زمینه‌ها بوده و مرزهای آنها بر بنیاد خواست مردم تعیین می‌شوند.

سازمان مردمی کرمانج برای دستیابی به اهداف زیر فعالیت می‌کند:

- 1- سهیم شدن پاره ملت کورد منطقه شمال خراسان در حاکمیت ملی از طریق ایجاد جمهوری فدرال و دمکرات ایران، بر اساس حقوق برابر ملیتها و اقوام ایرانی با رعایت و تأمین حقوق شهروندی همه ساکنان کشور ایران فدرال.
- 2- برقراری نظامی لیبرال و دمکرات که اساس آن بر پایه پلورالیسم سیاسی، سکولاریسم، رفاه اجتماعی با بینشی انسانمدار و حقوقمدار و عدالتمدار، رفع تبعیض قومی ملی فرهنگی زبانی مذهبی جنسی و نژادی می‌باشد.
- 3- بکاربردن زبان کوردی بعنوان زبان اداری محلی و ارتباطی، در کنار زبان فارسی بعنوان زبان مشترک مردمان کشور ایران.
- 4- تأمین آزادی بیان، قلم، اندیشه، مطبوعات و آزادی تشکلهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و صنفی.



- 5- همکاری و همیاری بین ملیتها و اقوام ایرانی بر اساس احترام متقابل، برابری ملیتی و همزیستی مسالمت آمیز .
- 6- برقراری رابطه مسالمت آمیز بر اساس احترام متقابل بین ملیتها و اقوام همجوار و سایر کشورها بر مبنای مصوبات سازمان ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر .
- 7- برقراری اقتصاد آزاد و رقابتی در راستای شکوفائی اقتصادی ساکنان منطقه فدرال کرمانج در شمال شرقی کشور ایران فدرال و تأمین رفاه اجتماعی برای همه ساکنان کشور ایران فدرال .

سازمان مردمی کرمانج (کردهای منطقه شمال خراسان)
Sazimana a xelk Kurmanj  urd   n menteqa bak r
xorasan  

www.kurmanj.org

اول نوز 1388 خورشیدی

مرامنامه، برنامه و اساسنامه
سازمان مردمی کرمانج خراسان
(کردهای منطقه شمال خراسان)



Kurmanj People's Organisation of North Khorasan

بخش اول :

فصل اول

پیشگفتار

وجود حکومت‌های مستبد و خودسر طی قرون متمادی در فلات ایران سبب گسترش جهل و عقب ماندگی عمیق اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بوده است. در تداوم این روند، استبداد داخلی و استعمار خارجی مشترکاً دخیل بوده و پیوسته در خفه کردن هر ندای آزادیخواهانه ملت کلان ایران به شدت عمل کرده و در سرکوب مردمان ایران که جز خواهان رفع ستم ملی و آزادیهای دموکراتیک مرتکب هیچ گناهی نشده‌اند به هر جنایتی دست یازیده‌اند .

هجوم و حملات مکرر حکومت‌های مرکزی ایران در اقصی نقاط کشور همواره با کشتار، غارت و سرکوب همراه بوده است. سرکوبی که در نتیجه آن هزاران نفر کشته و صدها هزار نفر دیگر مجبور به ترک‌خانه و کاشانه‌ء خود و جابجایی یا مهاجرت به دیار دیگر شده‌اند. جابجایی پاره ملت کُرد به منطقه شمال خراسان، در طول تاریخ تا به امروز آنان را متحمل هزینه های هنگفتی کرده است. در این جابجایی و کشت و کشتار، زمامدارانی با القاب و عناوین مختلف از سوی حکومت مرکزی و عوامل بیگانگان آنان دست داشته‌اند. پس از آنکه منطقه شمال خراسان توسط شاه عباس صفوی به پاره ملت کرد تنفیذ و تفویض شد، از آن هنگام تا زمان انقلاب مشروطه و کودتای رضا شاه، خودگردانی و حاکمیت محلی این منطقه در اختیار پاره ملت کرد (ایلات، ایلخانی و خوانین کرد) بود. رضا شاه ارزشهای دموکراتیک و تکثرگرایی مشروطه را زیر پا گذاشت و سیاست سرکوب و محو کردن ملیتهای ایران برای ایجاد باصطلاح یک دولت - یک ملت را در پیش گرفت .

این سیاست هم اکنون به شکلی دیگر یعنی محو کردن زبان، فرهنگ و هویت پاره ملت کورد در منطقه شمال خراسان



از طرق مختلف ادامه دارد. از طریق تقسیمات عمدی ناعادلانه جغرافیایی قسمت‌های وسیعی از مناطق کوردنشین شمال خراسان علیرغم اعتراضات وسیع مردم که منجر به سرکوب شدید آنان شد، به استان همجوار واگذار شده است. این سیاست بی‌اعتنایی به خواسته‌های مردم چه در زمان حکومت پهلوی‌ها و چه در جمهوری اسلامی پیوسته ادامه داشته و دارد. هر دو رژیم بغایت تمرکزگرا، در کشور کثیرالمله ایران، با اعزام هموطنان غیر بومی و سپردن مشاغل کلیدی به آنها عملاً با مردم کورد بسان شهروند درجه چندم و همچون بردگان یک مستعمره می‌نگریسته‌اند.

حکومت آخوندها با تکیه بر اصل ولایت مطلقه فقیه و گسترش استبداد لجام گسیخته مذهبی در همه زمینه‌ها عرصه را بر مردم ایران تنگ کرده و با سلب حق مشارکت ملیت‌های ساکن ایران در حاکمیت ملی امکان هر گونه رشدی را از آنان گرفته است. ادامه این وضع و اجحافات که بر ملیت کورد روا داشته می‌شود در تضاد کامل با روحیه آزادمندی مردم کورد می‌باشد و به همین دلیل کوردها برای به دست آوردن حقوق ملی و انسانی و به دست گرفتن سرنوشت خود به دست خویش، پیوسته با زورگویان و مستبدان در مصاف بوده و تا حصول آن خواهند بود.

آثار شوم سیاست‌های شوونیستی حکومت‌های مرکزی در زمینه‌های مختلف بر ملیت کورد کاملاً مشهود است. مهمترین این اجحافات در مقوله‌های زیر به اختصار بیان می‌شوند.

- [اقتصادی

مناطق کوردنشین ایران در طی قرون متمادی همواره مورد اغماض بوده که فقر بیش از پیش مردمان این سامان را موجب گردیده است. در عوض دولت‌های حاکم، بازار اقتصاد را در انحصار خود گرفته‌اند. حاکمان غاصب تامین منافع خویش را در مصرفی بودن جامعه کورد می‌بینند تا با فروش کالاهای خویش و تداوم این سیاست که ابزاری برای سرکوب است از رشد تولیدی و صنعتی مناطق کوردنشین جلوگیری نمایند.

حکومت آخوندها برای حفظ و تقویت قدرت سیاسی و اقتصادی خود و کنترل بیشتر مناطق کوردنشین، واحدهای تجاری منطقه را به غیر بومیان و نزدیکان خود واگذاشته‌اند. مردم کورد عموماً از داشتن امتیازهای تجاری مهم محرومند زیرا که امکانات اقتصادی، تجاری، اجتماعی و اداری منطقه عموماً به افراد غیر کورد و غیر بومی واگذار می‌شود، و حتی کارکنان عادی طرح‌ها از مناطق دیگر ایران تامین می‌گردند. عدم توجه به رشد تولیدات کشاورزی و



دامپروری در منطقه کردنشین شمال خراسان، و بر اثر نبود امکانات و حمایت دولت و ادامه کشت سنتی، میزان تولیدات کشاورزی و دامپروری را در پایین‌ترین حد خود نگهداشته است.

2- اجتماعی - سیاسی

ایران کشوری چند ملیتی با مذاهب گوناگون است که می‌بایستی دارای حکومتی سکولار و غیر متمرکز باشد. اصل ولایت فقیه که اساس حکومت شیعی جمهوری اسلامی است، دیکتاتوری تحت نام ولی فقیه مطلقه را بر سرنوشت مردم تحمیل کرده است. قوانینی که توسط مجلس تصویب می‌شوند و از غربال شورای نگهبان می‌گذرند نباید در تضاد با فقه شیعه مورد نظر ولی فقیه باشند.

قانون اساسی مصوبه فقهای حاکم عملاً آپارتاید مذهبی و حالت خودی و غیر خودی را در ایران جنبه رسمیت داده است. مقامات ارشد دولتی در منطقه شمال خراسان غیر کُرد و غیر بومی هستند که فقط جهت پیشبرد سیاستهای شوونیستی، سرکوب و چپاول به شمال خراسان اعزام گشته‌اند.

تحصیل‌کرده‌ها و فرهیختگان کُرد به خاطر تبعیضات استخدامی غالباً به مشاغل پائین و کم درآمد گماشته می‌شوند و یا در یافتن کار مناسب دچار مشکل می‌گردند و ترک دیار می‌کنند که خود نوعی هضم و آسیمیله کردن ملیت کرد این دیار است. پیشبرد این سیاست موجب بیکاری شدید در میان کوردهای خراسان شده است. کُردهای خراسان از داشتن رسانه‌های گروهی صوتی و تصویری (رادیو و تلویزیون) به زبان مادری خود محرومند، و مطبوعات نوشتاری محلی به زبان کردی قدغن است.

زن کُرد مورد ستم جنسی و طبقاتی است و از داشتن ارگانهای مدافع حقوق زنان محروم است. در زمینه کاری به خاطر تبعیضات جنسی از توانایی و نبوغ آنان استفاده نمی‌شود. سرشت زن ستیزی حکومت آخوندها عملاً نیمی از جمعیت ایران را از بکارگیری نیرو و توان واقعی خویش در امر پیشرفت جامعه محروم کرده است. این تبعیض در سراسر کشور ایران محسوس است.

3- آموزشی



ملیت کُرد مانند سایر ملیت‌های تحت ستم ملی در ایران از آموزش و تحصیل به زبان مادری خود محروم است. آموزش به زبان غیر مادری در منطقه شمال خراسان، موجب خود کم‌بینی، کاهش سطح فراگیری و عدم اعتماد به نفس کودکان و جوانان کورد این دیار می‌شود. برای راهیابی جوانان کورد به دانشگاه‌ها موانع زیادی قرار داده‌اند. تعداد زیادی از آنهایی که به دانشگاه راه می‌یابند به دلیل تبعیضات و فشارهای اقتصادی مجبور به ترک تحصیل و یا اخراج می‌گردند. وجود این عوامل موجب کاهش کمی تحصیلهای دانشگاهی کورد شده است. نگاهی دقیق به ماهیت و آثار سیاست آموزشی رژیم در ایران، تبلیغ و ترویج مذهب شیعه مورد نظر حاکمان در مدارس به خوبی نشان می‌دهد که هدف شستشوی مغزی کودکان جهت گرایش به مذهب شیعه رادیکالی در میان دانش‌آموزان و دانشجویان، و در نهایت محو فرهنگ، تاریخ و خصلت‌های قومی و زدودن احساسات ملی در درون آنها است. مقوله آموزشی و علمی مدارس و دانشگاهها از دولت جدا بوده و تحت کنترل و سانسور حکومت نمی باشد .

4- نقش نیروهای سرکوبگر

نیروهای نظامی و انتظامی همواره ابزار سرکوب ملیتهای ایران در دست حکومتگران شوونیست بوده و هستند. این نیروها علاوه بر سرکوب، در چپاول و قاچاق مواد مخدر و ایجاد اختلاف میان ملیتهای ایران عمل می کنند. ضرب المثل مشهور تفرقه بینداز و حکومت کن در مورد عملکردهای سران نیروهای انتظامی حکومت در برخورد با مردمان ایران و خوش خدمتی به اربابان ستم، مصداق پیدا می کند. این عوامل اجرایی سفاک هیچ ترحمی به جان، مال و حتی شرف مردم از خود نشان نمی دهند و در مورد اعمال ضد مردمی خود به هیچ کس پاسخگو نیستند. ماموریت عمده این نیروها سرکوب هر حرکت اعتراضی مطالبه محور است .

عملکرد حکام ستمگر در ادوار مختلف باعث تشدید خصومت ملی بین مردمان ایران و حکومتگرانی شده است که بر اریکه قدرت تکیه زده‌اند .

مشروعیت دادن به هویت فقط یک ملیت و تقویت حس شوونیستی در آنها از جانب حکام فاسد و ضد مردمی سبب تشدید تضاد میان آن ملیت و سایر ملیت‌ها که تحت ستم مضاعف ملی قرار دارند شده است. برانگیختن حس برتری یک ملیت بر سایر ملیت‌ها، معمولاً جهت حفظ قدرت از سوی تشنگان قدرت و دیکتاتورها صورت می‌گیرد. این نگرش برتری طلبانه که بطور سازمانیافته نهادینه گردانده شده، مناسفانه حتی در میان برخی از روشنفکران، ادبا و سیاستمداران ملیت حاکم که بظاهر قضیه معتقد به حقوق برابر همه ملیت‌ها هستند نیز محسوس است .



شونیسیم کور حاکم بر ایران چه در گذشته و حال هر حرکت ملی حق‌طلبانه و مطالبه‌محور را تحت عنوان تجزیه‌طلبی توجیه و سرکوب کرده، و عملاً ملیت فارس را بناحق در مقابل سایر ملیت‌ها قرار داده‌اند. سازمان م "سازمان مردمی کرمانج خراسان" اعلام می‌دارد؛ مردم و جریانه‌های مردمی ملیت فارس که معتقد به دموکراسی و حق حاکمیت ملیت‌های دیگر در کشور ایران هستند را متحد خویش برای برقراری جمهوری فدرال دموکرات ایران می‌داند و از همکاری و همیاری آنان در برآوردن این هدف استقبال می‌کند.

فصل دوم

مراومه و مبانی فکری سازمان

1- اهداف اساسی سازمان

- 1- سهیم شدن پاره ملت کُرد منطقه شمال خراسان (منطقه فدرال کُردمانج) در حاکمیت ملی و حق تعیین سرنوشت مناسب در کشور ایران فدرال .
- 2- همکاری و همیاری بین ملیت‌های ایران بر اساس برابری ملی، احترام متقابل و همزیستی مسالمت‌آمیز از طریق ایجاد جمهوری فدرال سکولار و دموکرات ایران .
- 3- برقراری نظامی لیبرال دموکرات که اساس آن بر پایه پلورالیسم سیاسی، سکولاریسم، رفاه اجتماعی با بینشی انسانمدار و حقوقمدار و عدالتمدار، رفع تبعیض قومی ملی فرهنگی زبانی مذهبی جنسی و نژادی می باشد .
- 4- بکاربردن زبان کُردی بعنوان زبان اداری و ارتباطی در منطقه شمال خراسان (منطقه فدرال کُردمانج) .
- 5- تأمین آزادی بیان، قلم، اندیشه، مطبوعات و آزادی تشکیلات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و صنفی .



6- برقراری روابط مسالمت آمیز بر اساس احترام متقابل بین ملیت‌های همجوار و سایر کشورها بر مبنای مصوبات سازمان ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر .

7- برقراری اقتصاد آزاد و رقابتی در راستای شکوفائی اقتصادی ساکنان منطقه فدرال کرمانج در شمال شرقی کشور ایران فدرال و تأمین رفاه اجتماعی برای همه ساکنان کشور ایران فدرال .

2- رابطه دولت فدرال و ایالت‌های فدرال

روابط بین دولت فدرال و ایالت‌های فدرال بر اساس اصول زیر تعیین می شود .

الف- حاکمیت ملی / حاکمیت مردم: صلاحیت‌ها و اختیارات اصلی در حیطه اختیارات ایالت‌های فدرال است. قانون اساسی فدرال صلاحیتها و اختیارات دولت فدرال را مشخص می‌کند. دولت فدرال دارای صلاحیت‌های انحصاری در اموری است که همه ایالت‌های فدرال در اختیار آن قرار می دهند. صلاحیتها و اختیارات دولت فدرال عبارتند از؛ در دست داشتن "امور دفاعی"، "امور خارجه"، "سیاست‌های اقتصادی کلان بین‌المللی و بین ایالت‌ها"، "ارتباطات و راه و ترابری". ایالت‌های فدرال سایر صلاحیت‌ها و اختیارات و تصمیم‌گیری در اموری که به دولت فدرال واگذار نشده‌اند را دارند. مجری قوانین و تصمیمات دولت فدرال در ایالت‌های فدرال، کارمندان ایالت‌ها می‌باشند .

ب- دموکراسی: دموکراسی پارلمانی باید در سطوح مختلف تصمیم‌گیری در دولت فدرال و ایالت‌های فدرال وجود داشته باشد. تصمیم باید در نزدیکترین ارگان با کسانی که متاثر می شوند گرفته شود. چنین تصمیم‌هایی باید حق تعیین سرنوشت مردم، آزادی و حقوق فردی تمام ساکنان کشور را تأمین کند .

پ- اصل مشارکت: ایالت‌های فدرال در بالاترین نهادهای دولت فدرال؛ قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه صرفنظر از میزان جمعیت و یا وسعت جغرافیایی دارای سهم برابر و حقوق مساوی هستند .



ت- **تقسیم قدرت**: قانون اساسی دولت فدرال و ایالت‌های فدرال باید مدون با قانون و تبصره‌های مشخص برای تقسیم قدرت به شکل افقی، تفکیک قوای مقننه، اجرائی، قضائی و تقسیم عمودی قدرت بین دولت فدرال و دولت‌های ایالتی باشد. این مهم مانع از تمرکز قدرت در دست یک دیکتاتور و یا یک اقلیت می‌شود.

ث- **خود مختاری مالی**: برای تأمین خودمختاری مالی ایالت‌های فدرال، صلاحیت‌های اخذ مالیات بین دولت فدرال و ایالت‌ها طوری تقسیم می‌شود که ایالت‌ها در اداره امور داخلی خود بتوانند تصمیم‌گیری کنند و مالیات‌های اخذ شده را در امور داخلی خود مصرف کنند. مزاد درآمد مالیاتی دولت فدرال برای تأمین رفاه اجتماعی و توسعه اقتصادی ایالت‌ها، بر حسب نیاز این ایالت‌ها تقسیم شود.

3- برنامه کار فعلی

الف- تلاش برای بالا بردن سطح آگاهی و دانش مردم کورد منطقه شمال خراسان جهت احقاق حقوق ملی و مبارزه برای از بین بردن فقر، اعتیاد و ناهنجاری‌های اجتماعی متعاقب آن.

ب- ارتباط‌گیری با احزاب و سازمان‌های انسان‌دوست ایرانی و جهانی و افشای سیاست‌های شوونیستی نظام مذهبی حاکم بر ایران در مورد ستم‌هایی که بر مردم ایران و بویژه کوردها روا داشته می‌شود.

پ- برگزاری حرکت‌های اعتراضی مطالبه محور در زمان و شرایط مقتضی بر علیه سیاست‌های ضد مردمی و تبعیض آمیز رژیم در مناطق کوردنشین.

ت- تلاش در جهت همکاری با نیروها و جریان‌های ملی و مردمی کُرد.

ث- همکاری با سایر ملیت‌های ایران برای برقراری جمهوری فدرال سکیولار و دمکرات ایران.

4- همکاری با احزاب و سازمان‌های دیگر



مبارزه برای دستیابی به حقوق ملی- اجتماعی مبارزه‌ای دشوار و سهمگین است. دسترسی به این حقوق، زمانی میسر می‌شود که کلیه جریانها و نیروهای ملی- دمکرات، ملی- لیبرال، سوسیال - دمکرات و لیبرال - دمکرات در تفاهم با یکدیگر اتحادی گسترده برای پیشبرد امر مبارزه ایجاد نمایند. برای رسیدن به این مهم توجه به نکات زیر از اهداف استراتژی سازمان می‌باشد.

الف- اتحاد وسیع کلیه جریانهای سیاسی و نیروهای مردمی مناطق کُردنشین برای دستیابی به حاکمیت ملی مناسب مردم کور.

ب- اتحاد وسیع نیروها و جریانهای مردمی ملیتهای ایران برای ایجاد جمهوری فدرال سکیولار و دمکرات ایران.

فصل سوم

برنامه و مسیر نقشه راه سازمان

با توجه به دیدگاه‌های فوق مواد برنامه سازمان در زمینه‌های گوناگون به اختصار از قرار ذیل است :

سیاست اقتصادی

منابع طبیعی ایران باید در حاکمیت مردمان ایران باشد. این منابع باید در جهت رشد اقتصادی ایالتها به کار گرفته شوند. هدف از سیاست اقتصادی، بالا بردن سطح زندگی مردم و تأمین رفاه اجتماعی است. هرگونه کاربرد از منابع و انرژی نباید به محیط زیست ایالتها اثرات سوء و غیر قابل جبران بگذارد. سیاست اقتصادی سازمان بر اساس نکات زیر تعیین می‌شود :



1- برقراری اقتصاد آزاد و رقابتی در راستای شکوفائی اقتصادی ساکنان منطقه فدرال کرمانج در شمال شرقی کشور ایران فدرال و تأمین رفاه اجتماعی برای همه ساکنان کشور ایران فدرال .

2- تلاش در جهت بالا بردن سطح تولید و صنعتی نمودن جامعه .

3- مهار آب رودخانه‌ها و دیگر منابع آبی به شیوه‌ای علمی و مناسب جهت تأمین آب آشامیدنی و زراعت .

4- توسعه و بهره‌برداری از منابع طبیعی ایالتها با رعایت مسائل حفظ محیط زیست .

5- توجه به کشاورزی و دامداری و دادن امکانات لازم و مناسب به کشاورزان و دامداران .

6- سرمایه‌گذاری در بخشهای مختلف صنعتی جهت رشد اقتصادی جامعه و ایجاد کار .

7- تصاعدی بودن مالیات بر درآمد و پایین نگهداشتن مالیاتهای غیر مستقیم بر روی کالاهای اساسی مورد نیاز مردم .

تبصره : با مشورت کارشناسان بر چگونگی تصاعدی بودن مالیاتها و هزینه‌های دولت میزانی مشخص می‌شود تا از ایجاد شرایط نامساعد برای سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی جلوگیری شود .

8- پی‌ریزی بودجه توزیعی مناسب، جهت تضمین عدالت و توزیع عادلانه درآمدهای دولت برای تأمین رفاه اجتماعی .

9- تأکید بر تصویب لوایح اقتصادی در مجلس قانونگذاری برای تسهیل سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در ایالتها فدرال .



10- توسعه ارتباطات: راهها، جاده‌ها، راه‌آهن، ایجاد فرودگاه و مدرنیزه کردن سیستم مخابرات و تکنولوژی انفورماتیک.

برنامه اجتماعی

هدف از برنامه اجتماعی، تأمین رفاه عمومی و توجه خاص به طبقه کم درآمد است. برای رسیدن به این مهم توجه به نکات زیر را ضروری می‌دانید:

1- تأمین حداقل رفاه اجتماعی و از بین بردن فقر اقتصادی.

2- کمک جهت تأمین مسکن برای نیازمندان.

3- ایجاد بیمه‌های اجتماعی، بخصوص در موارد از کار افتادگی، بازنشستگی و بیکاری.

4- برقراری امنیت جانی و مالی.

5- تلاش برای ریشه‌کن کردن اعتیاد.

6- تأمین امکانات و فرصت‌های برابر برای همه شهروندان ساکن منطقه فدرال کرمانج.

برنامه بهداشتی و درمانی

دسترسی به امکانات بهداشتی و درمانی از حقوق اولیه انسانها است. برای تأمین بهداشت در ایالتها اقدامات زیر مورد نظر سازمان است:



1-بالا بردن سطح بهداشت مردم از طریق آموزشهای بهداشتی .

2-گسترش مراکز بهداشتی، درمانی و بیمارستان .

3-توجه به بهداشت مادر و کودک، ایجاد و گسترش زایشگاهها و شیرخوارگاه .

4-ایجاد مراکز بهداشتی برای نگهداری سالخوردهگان و معلولین .

5-تأمین بهداشت برای عموم .

برنامه فرهنگی

حفظ و تکامل ادبیات، موسیقی، هنر و فرهنگ مردم کرد از طریق توجه به نکات زیر میسر است :

1-کاربرد زبان کردی بعنوان زبان رسمی، آموزشی و ارتباطی ایالتهای کردنشین. اهمیت دادن به پیشرفت زبان و ادبیات کردی، و ارج نهادن به نویسندگان و دانشمندان و روشنفکران و متخصصان کرد در منطقه شمال خراسان .

2-ایجاد و تقویت نهادهای مستقل فرهنگی برای رشد زبانهای رایج در ایران و بویژه در منطقه شمال خراسان .

3-راه اندازی رادیو و تلویزیون تمام وقت به زبان کردی در منطقه شمال خراسان .

4-ایجاد موسساتی برای نگهداری میراث فرهنگی، تاریخی و ملی کردها .



5- کمک به هنرمندان و موسیقیدانان کرد جهت غنای موسیقی و هنری در مناطق کردنشین.

6- آزادی مذاهب و انجام مراسم مذهبی.

برنامه آموزشی

توجه به امر آموزش و پرورش نوجوانان و جوانان برای بالندگی جامعه ایران ضروریست. برای پیشبرد امور آموزشی در مناطق کردنشین موارد زیر مد نظر سازمان است:

1- فراهم نمودن امکانات آموزشی، پرورشی و تفریحات سالم برای نوجوانان و جوانان.

2- دفاع از حق تاسیس اتحادیه‌ها و انجمن‌های دانشجویی و دانش‌آموزی.

3- در مناطق کردنشین تحصیل به زبان کردی از دوره ابتدایی تا سطح عالی است. در مناطقی که اکثریت مردم به زبانهای دیگری بجز کردی سخن می‌گویند، زبان اکثریت بعنوان زبان آموزشی آنها استفاده می‌شود. اقلیتهای اتنیکی می‌توانند در مدارس به زبان مادری خود تحصیل نموده و مطبوعات به زبان مادری خویش منتشر سازند.

4- آموزش زبانهای ارتباطی بین‌المللی از سطح ابتدایی شروع میشود. در مناطق کردنشین زبان فارسی از کلاس پنجم به بعد در مدارس تدریس خواهد شد.

5- ریشه کن کردن بیسوادی.

6- ایجاد تأسیسات ورزشی و تربیتی با کیفیت خوب.



7- اجباری بودن تحصیلات تا پایان دوره اول متوسطه و رایگان بودن تحصیلات تا پایان دوره دیپلم متوسط .

برابری حقوقی زن و مرد

زنان ایرانی و بویژه زنان کورد، از برابری حقوق اجتماعی و انسانی با مردان خویش محروم هستند. رشد، تکامل و برابری زمانی مفهوم پیدا می کند که زن و مرد در جامعه از حقوق برابر و مساوی برخوردار باشند .

عمده اهداف سازمان در تحقق یافتن این حقوق عبارتند از :

1- برابری و رعایت کامل حقوق زن و مرد در همه زمینه ه .

2- حمایت از تشکلات زنان و یا هر تشکل دیگری که برای تحقق برابری حقوق زنان مبارزه کند .

سیاست خارجی

تصمیم گیری در سیاست خارجی از مسئولیتهای دولت فدرال است که با توافق ایالتهای فدرال در اختیار آن گذاشته می شود. این سیاست بر مبنای استقلال و عدم تعهد استوار است. دولت فدرال به اجرای امور زیر باید موظف و پایبند باشد :

1- احترام به منشور سازمان ملل متحد و میثاقهای اعلامیه جهانی حقوق بشر .

2- دولت فدرال برای انعقاد هر گونه قراردادی در ارتباط با امور سیاست خارجی که به سرنوشت و حاکمیت ایالتها ارتباط پیدا می کند، می‌بایستی با آنان مشورت نموده و با توافق ایالت ذینفع عمل نماید .



3- دولت فدرال با رعایت و حفظ حسن همجواری باید شرایطی فراهم آورد تا همکاری فرهنگی و آموزشی بین ایالتها با جوامع دیگر در سایر کشورها میسر گردد.

4- حمایت از جنبشهای دمکرات، حق‌طلب و مطالبه‌محور ملیته.

بخش دو:

اساسنامه سازمان
(چهارچوب تشکیلاتی سازمان)

ماد 1: نام و ماهیت سازمان

1- نام سازمان " سازمان مردمی کرمانج خراسان (کردهای منطقه شمال خراسان) " می‌باشد.

2- سازمان مردمی کرمانج خراسان، ارگانی است ملی- دمکراتیک که برای سازماندهی جهت تحقق سهم شدن پاره ملت کرد منطقه شمال خراسان در حاکمیت ملی مبارزه می‌کند.

ماد 2: اهداف بنیادی سازمان

1- سهم شدن پاره ملت کرد منطقه شمال خراسان (منطقه فدرال کرمانج) در حاکمیت ملی و حق تعیین سرنوشت ملی مناسب در کشور ایران فدرال.



2- همکاری و همیاری بین ملیتها در ایران بر اساس برابری ملی، احترام متقابل و همزیستی مسالمت آمیز از طریق ایجاد ایالت‌های فدرال سکيولار و دمکرات .

3- برقراری نظامی لیبرال - دمکرات که اساس آن بر پایه پلورالیسم سیاسی، سکيولاریسم، رفاه اجتماعی با بینشی انسانمدار و حقوقمدار و عدالتمدار، رفع تبعیض قومی ملی فرهنگی زبانی مذهبی جنسی و نژادی می باشد .

4- بکار بردن زبان کُردی بعنوان زبان اداری و ارتباطی در منطقه شمال خراسان .

5- تأمین آزادی بیان، قلم، اندیشه، مطبوعات و آزادی تشکلهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، صنفی در راستای منشور حقوق بشر سازمان ملل متحد .

6- لغو اعدا .

7- برقراری روابط مسالمت‌آمیز بر اساس احترام متقابل بین ملیتها همجوار و سایر کشورها بر مبنای مصوبات سازمان ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر .

8- برقراری اقتصاد آزاد و رقابتی در راستای شکوفائی اقتصادی ساکنان منطقه فدرال کُرمانج در شمال شرقی کشور ایران فدرال و تأمین رفاه اجتماعی برای همه .

ماد 3: عضویت در سازمان

همه کوردهای منطقه فدرال کُرمانج و هر کورد ایرانی و هر هم میهن ساکن شمال شرقی ایران می تواند به عضویت سازمان در آید، در صورتی که :



1- به مرامنامه و برنامه و اساسنامه سازمان اعتقاد داشته باشد و آن را تبلیغ و ترویج نماید.

2- به حق حاکمیت مناسب ملیت کُرد در کشور ایران فدرال معتقد باشد.

3- به دموکراسی و رفع تبعیض از آحاد مردم کُرد ایمان داشته باشد.

تبصره: ارتقاء در تشکیلات سازمان بر اساس فعالیت و شایستگی است.

ماد 4: شرایط پذیرش عضو

1- به سز 18 سالگی رسیده باشد.

2- عضو سازمان و یا حزب دیگری نباشد.

3- از طرف اکثریت اعضای یک ارگان تشکیلاتی سازمان تأیید شود.

4- شش ماه دوره آزمایشی را گذرانیده باشد.

ماد 5: وظایف اعضاء

1- مصوبات و تصمیم‌های سازمان را محترم شمرده و به آنها عمل نماید.

2- برای حفظ وحدت سیاسی و تشکیلاتی سازمانی بکوشد.

3- اسرار سازمان را حفظ نماید.



4- از اصول و دیسپلین سازمانی طبق مرامنامه و برنامه و اساسنامه سازمان پیروی کند .

5- برای بالا بردن دانش سیاسی اجتماعی خود بکوشد .

6- در یکی از ارگانهای سازمانی فعالیت نماید .

7- رابط سازمان و مردم باشد و برنامه‌های سازمان را در میان مردم تبلیغ کند .

8- در نشست‌های منظم سازمانی فعالانه شرکت نماید .

9- حق عضویت بپردازد .

تبصره: کسانی که از سیاست سازمان پشتیبانی می‌کنند ولی وظایف يك نفر عضو را به انجام نمی‌رسانند، به عنوان " هوادار سازمان " شناخته می‌شوند .

ماد 6: حقوق اعضاء

1- عضو سازمان حق انتخاب شدن در هر یک از ارگانهای سازمانی را دارد .

2- حق انتقاد از هر عضو و یا ارگانی را در جلسات سازمانی دارد .

3- حق دارد از هر ارگانی به ارگان بالاتر شکایت کند .

4- حق دارد نظرات خود را بطور علنی در سطح تشکیلات مطرح کند .



5- حق ارائه نظر و پیشنهادات به تمامی ارگانهای سازمانی را دارد و یا می‌تواند از آنها سؤال کند.

ماد 7: فعالیتهای ممنوعه

- 1- عدم انجام مسئولیت.
- 2- رعایت نکردن به اصول و موازین اساسنامه.
- 3- افشای اسرار سازمانی.
- 4- کار شکنی در پیشبرد اهداف سازمان.
- 5- سوء استفاده از مسئولیت سازمانی.
- 6- سر باز زدن از شرکت کردن در جلسات سازمان و یا ارگانهای وابسته به آن.

ماد 8: مجازات عضو

- 1- توبیخ شفاهی.
- 2- توبیخ کتبی.
- 3- سلب مسئولیت.



4- تعلیق عضویت .

5- اخراج از سازمان .

تبصره: مجازات سازمانی هر عضو با اکثریت آرا تعیین می‌شود. عضو اخراج و یا معلق شده می‌تواند از ارگان بالاتر تقاضای رسیدگی کند و می‌تواند این تقاضا را به کنگره سازمان نیز ارائه دهد. طولانی‌ترین مدت زمان تعلیق یک سال می‌باشد .

ماد 9: ساختار تشکیلاتی سازمان

ساختار بنیادی سازمان بر اساس سازماندهی دمکراتیک است و نحوه سازماندهی دمکراتیک به طرق زیر انجام می‌گیرد .

1- انتخاب ارگانهای رهبری و مسئولین سازمان از بالا تا پائین به شیوه آزاد و دمکراتیک است .

تبصره : اعضاء هیئت رهبری سازمان ترجیحاً از کُردهای خراسان و یا از ساکنان منطقه فدرال کُرمانج که عملاً با مشکلات و مطالبات کُردهای خراسان آشنايند، خواهند بود .

2- مصوبات کنگره قبل از تصویب در ارگانهای سازمانی به بحث گذاشته می‌شوند. وظیفه کمیته مرکزی جمع‌آوری نظرات و پیشنهادات ارگانهای پائین و ارائه به کنگره است. با توجه به پیشنهادات و تصمیمات ارگانهای سازمانی، سیاست آینده سازمان تدوین می‌شود .

3- برای تقویت گفت‌وگوهای سیاسی و دمکراسی درون سازمانی، ارگانهای سازمانی به اعضای حوزه خود گزارش می‌دهند. گزارش دهی از پائین به بالا و بالعکس بعنوان یک اصل مهم در سازمان به پیش می‌رود. ارگانهای پائین‌تر موظف به اجرای تصمیمات ارگانهای مافوق هستند .



4- تصمیمات سازمان در همه سطوح بر اساس رأی اکثریت اتخاذ می‌شود، به همین جهت یک عضو تابع تشکیلات سازمانی بوده و اقلیت تابع اکثریت هستند. تمامی اعضای سازمان ملزم به رعایت نظم و دیسپلین ارگانی می‌باشند.

تبصره: هر اقلیتی ضمن محترم شمردن تصمیمات اکثریت، حق بیان نظرات سازنده خویش را با در نظر گرفتن و دوری از فعالیتهای سازمان شکنانه و تفرقه افکنانه تشکیلاتی را در ارگانهای سازمانی دارد.

ماد 10: کنگره سازمان

- 1- کنگره عالیترین نهاد تصمیم‌گیری و مرجع قانونگذاری سازمان است.
- 2- کنگره در شرایط عادی هر چهار سال یکبار تشکیل می‌شود. کنگره سازمان با شرکت اعضای کمیته مرکزی، اعضای علی‌البدل، مشاوران، نمایندگان کمیته‌های سازمان (در شهرها، بخش و روستا) برگزار می‌گردد.
- 3- در مواقع اضطراری نصف بعلاوه یک از اعضای کمیته مرکزی می‌توانند فراخوان کنگره فوق العاده را بدهند.
- 4- دو - سوم (2/3 م) اعضای سازمان می‌توانند فراخوان کنگره فوق العاده را بدهند.
- 5- کنگره با حضور نصف بعلاوه یک از افراد واجد شرایط رسمیت می‌یابد.

کنگره فوق العاده: در صورتیکه کمیته مرکزی نتواند مسائل سازمانی را حل کند، خواهان برگزاری کنگره فوق العاده می‌شود. کنگره فوق العاده الزامی برای پرداختن به وظایف کنگره عادی را ندارد و فقط جهت رسیدگی به موضوعات پیشنهادی تشکیلاتی می‌شود.

ماد 11: اختیارات و وظایف کنگره

- 1- بحث و بررسی روی گزارش کمیته مرکزی و عملکرد سازمان، ترمیم‌های لازم و تصویب آن.
- 2- تعیین خط‌مشی عمومی، امور تاکتیکی و استراتژی، و اصول اساسی سیاستی را که سازمان باید تعقیب کند.



3- تصویب مرامنامه، برنامه و اساسنامه سازمان، تغییر و اصلاح آن در صورت لزوم.

4- انتخاب اعضای اصلی و علی‌البدل کمیته مرکزی جدید، تعیین محل برگزاری جلسه آتیه کمیته مرکزی و همچنین محلی را که کنگره آینده در آن تشکیل خواهد شد.

5- اسناد کنگره با اکثریت نصف بعلاوه یک بتصویب می‌رسند.

6- شیوه برگزاری کنگره؛ پس از بحث و بررسی روی گزارش کمیته مرکزی و عملکرد سازمان، آنگاه کمیته پیشبرد کار کنگره و نظارت بر آن انتخاب می‌گردد که انحلال کمیته مرکزی قبلی را بدنبال خواهد داشت و تا انتخاب کمیته مرکزی جدید مسئولیت پیشبرد کار کنگره را بر عهده خواهد داشت. کنگره در پایان هر جلسه دوره ای خود بیانیه ای (مانیفستی) بنام سازمان صادر می‌کند.

ماد 12: کنفرانس سازمان

- 1- کنفرانس سازمان در صورتی تشکیل می‌شود که امکان برگزاری کنگره نیست و کمیته مرکزی قادر به رفع و حل مسائل مطروحه نباشد.
- 2- کنفرانس همان اختیارات کنگره را دارد. شیوه برگزاری کنفرانس و تصویب اسناد آن همانند کنگره است.
- 3- کنفرانس با شرکت اکثریت اعضای کمیته مرکزی و مشاوران، و یک - سوم (1/3م) نمایندگان تشکیلاتها و کمیته های سازمانی رسمیت می‌یابد.

ماد 13: کمیته مرکزی (شورای مرکزی)

- 1- کمیته مرکزی بعنوان عالی‌ترین ارگان رهبری و مرجع اجرائی سازمان در فاصله میان دو کنگره است که مسئول اجرای مصوبات و تصمیمات متخذه کنگره در این فاصله زمانی می‌باشد.



2-وظایف و اختیارات شورای مرکزی عبارتند از :

- اجرای تصمیمات کنگر .
- مسئولیت هماهنگی و ارتباط سازمان با احزاب و سازمانهای دیگر .
- انتخاب دبیرکل و هیئت دفتر اجرائی (دفتر سیاسی) از میان اعضاء خود .
- دبیر کل بالاترین مقام رهبری سازمان است و در مقابل کمیته مرکزی و ارگانهای بالاتر مسئول است .
- مسئولیت هماهنگی کارهای کمیته مرکزی، نظارت بر کار و فعالیتهای سازمان و برگزاری پلنوم (جلسات کمیته مرکزی) (بعهدد دبیر کل است .
- تشکیل جلسه پلنوم حداقل هر سال یکبار .
- حسابرسی و تنظیم بودجه سازمان، و تعیین میزان حق عضویت .
- تدوین آئین‌نامه های داخلی جهت هماهنگی فعالیتهای نهادهای وابست .
- اعضای علی البدل، و مشاوران کمیته مرکزی در جلسات کمیته مرکزی تنها دارای رأی مشورتی هستند .
- تبصره – در صورت تشخیص شورای مرکزی دو نفر از اعضای شورای مرکزی به جای دبیرکل بعنوان سخنگویان سازمان انتخاب می شوند .

- 3-جلسات شورای مرکزی (پلنوم) با شرکت دو- سوم (2/3م) اعضای اصلی در شرایط عادی رسمیت می‌یابد.
- تصمیمات متخذه در جلسات شورای مرکزی در صورتی قابل اجراست که بیش از نصف + یک اعضای اصلی حاضر در جلسه بدانها رأی موافق داده باشند. پلنوم فوق العاده؛ یک- سوم (1/3م) اعضای کمیته مرکزی می توانند فراخوان پلنوم فوق العاده را بدهند که با حضور نصف بعلاوه یک اعضای کمیته مرکزی رسمیت می یابد .

ماد 14: دفتر اجرائی (دفتر سیاسی)

- دفتر اجرائی مسئول اجرای تصمیمات کمیته مرکزی در فاصله میان دو جلسه کمیته مرکزی است. جلسات دفتر اجرائی بر اساس ضرورت فعالیتهای سازمانی تشکیل می‌شوند تا گزارش فعالیتهای خود را به کمیته مرکزی ارائه دهد .



ماد 15: درآمد سازمان

- 1- حق عضویت اعضا.
- 2- عایدات بنیادها و موسسات سازمان.
- 3- کمک مالی اعضا، هواداران و دوستداران سازمان.
- 4- سرمایه‌گذاری در پروژه‌های مختلف جهت بهبود وضعیت مالی سازمان.

اول نوروز 1388 خورشیدی
(21م مارس 2009 میلادی)

>> پایا <<

چارت سازمانی
(سازمان مردمی کرمانج خراسان)



پښخراوی کوردی کورمانجی خوراسان

URD ISM

بهرنامه، پیره و پروگرام

